

حضور فیلمسازان نسل نو و جوان کشور نشانه تداوم نسل‌ها در سینمای ایران و برپایی این سینمای ملی است. بر این اساس در جشنواره‌های فیلم فجر سال‌های گذشته بخشی ویژه به طور سمبلیک و نمادین گنج‌انده شده بود و همه ساله تعداد ده فیلم از آثار فیلمسازان فیلم اولی جوان را در خود جای می‌داد که خروجی و نتیجه مثبتی به لحاظ کمی و کیفی در مورد آثار این دسته‌ از فیلمسازان داشت و از میان فیلمسازان تازه‌کار و آثارشان استعداد‌های سینمایی ناب و قابل رشدی به سینمای ایران معرفی می‌شد.

به دلیل همین معرفی فیلمسازان تازه‌کار و شناخته شده استعداد آنها در ساختار سینمایی عده‌ای از سیاست‌گذاران سینمایی که بعضاً خودشان هم از فیلمسازان نسل‌های قبلی بودند به نوعی احساس خطر کرده و در صدد برچیدن این بخش از جشنواره شدند و این ایده را با استدلال‌های ویژه و موزیانه به ساختار سینمایی و جشنواره فیلم تحمیل کردند و موفق شدند این بخش را از جشنواره حذف کنند.

اما پس از دو دوره که بخش فیلم‌های اول از جشنواره فجر حذف شد با یک عقب‌گرد مثبت سال گذشته جشنواره در خلاصه‌ترین شکل ممکن و با کمترین تعداد فیلم اول و نگاه نو برگزار شد و فیلم‌های اول به جشنواره بازگشتند. حضور چند مستند و فیلم کوتاه و انیمیشن سینمایی به جشنواره فیلم فجر که البته به نظر می‌رسد نوعی رفع تکلیف بوده است اما آنچه مسلم است توجه به فیلم اولی‌ها با توجه به شوق و حضور نسل جوان فیلمساز در عرصه سینمای حرفه‌ای رسمی و غیررسمی یک ضرورت است و حذف بخش نگاه نو در چند دوره گذشته یک بی‌تدبیری صرف بوده است همچنان‌که حذف بخش «هنر و تجربه» با توجه به گرایش‌های تجربی و نوآورانه فیلمسازان جوان و حتی برخی نسل گذشته سینمای ایران دست کم در دهه اخیر را می‌توان به نوعی بی‌تدبیری محض توصیف و سرزنش کرد.

با توجه به افزایش تولید فیلم علی‌رغم بحران اقتصادی در همه بخش‌ها در سال‌های اخیر از جمله سال گذشته و همین سال جاری و استقبال و تقاضای فیلمسازان به ویژه فیلمسازان تازه‌کار و جوان برای پذیرفته شدن آثارشان در جشنواره و شکایات و گلایه‌های اعتراضی پذیرفته شدگان این بخش‌های متنوع هم امکانی به وجود می‌آورد که فیلم‌های بیشتری در ژانرهای متنوع‌تر و در بخش‌های گوناگون نمایش داده شود و هم تنوع سینمای ایران را بهتر نشان می‌دهد. تا ساختار سینمایی و جشنواره حداقل چهره و جلوه‌ای اگر هم به ظاهر عادلانه و منصفانه‌تر و حفظ حقوق همه فیلمسازان به خود گیرد.

به هر حال امیدواریم که امسال هم بخش نگاه نو همچون سال گذشته با حضور آثار فیلمسازان جوان در انتخاب جشنواره و ساختار آن به صورت پویاتر و عادلانه‌تر مدنظر قرار بگیرد و خالی از هر نظر تنگی و القا نگاه سلیقه‌ای مدیران و گردانندگان جشنواره حضوری پویاتر و بیشتر از سال‌های گذشته داشته باشد.

در جشنواره سال گذشته دو فیلم **اولی** به بخش مسابقه سودای سیمبرغ راه یافتند که به لحاظ کیفیت سینمایی و دیگر فاکتورها استحقاقش را هم داشتند؛ دو فیلم دیدنی و متفاوت که به مجموعه فیلم‌های انتخابی سال گذشته تنوع بخشیده بودند و بسیاری هم فافلگیر کننده بودند یعنی فیلم‌های «مسخره باز» به کارگردانی همایون غنی‌زاده که با تجربه‌اندوزی در صحنه تئاتر و چند تجربه موفق در این عرصه در نخستین حضورش به عنوان فیلمساز فیلمش در نمایش جشنواره‌ای و اکران عمومی مورد استقبال عام و خاص مخاطبان قرار گرفت و دیگری فیلم «پالتو شتری» به کارگردانی مهدی علی میرزایی حضوری فافلگیرکننده داشت یک کمدی متفاوت و دلپذیر روشنفکرانه از دنیای به اصطلاح روشنفکران که ساختار کلی آن بر اساس و محور موضوع و مضمون رقابت و حسادت و منفت‌طلبی و ریاکاری‌های آدم‌های خودمان و ریاکار و مთوم که تلاش می‌کنند با حقّه و کلک و ظاهر‌سازی به هدفشان برسند؛ آدم‌هایی آشنا که هر کدام چند تا از آنها را در پیرامون خودمان سراغ داریم این فیلمساز جوان که پیش از این تجربه‌هایی در فیلمنامه‌نویسی داشته، در این فیلم هم علاوه بر فیلمنامه کار شده و دقیقاً در اجرای چنین طرح دشواری هم خودش را مسلط نشان داده به خصوص که اجرای نوع کمدی خاص این فیلم کار سختی بوده که در سینمای ایران چندان سابقه ندارد از دیگر فافلگیری‌های فیلم بازی‌های خوب بازیگرانش است.

مهدی علی میرزایی متولد ۱۳۵۶ اصفهان است وی فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی سینما از دانشکده سینما و تئاتر است. علی میرزایی قبل از اینکه نخستین فیلم سینمایی‌اش را کارگردانی کند به عنون فیلمنامه‌نویس در سینمای ایران فعال بوده و فیلمنامه‌های متعددی از جمله «گشت ارساده» سعید سهیلی، «در مدت معلوم» وحید امیرخانی، «اولین تولد» و «پارادایس» علی عطشانی را به نگارش در آورده است گشت ارشاد نخستین فیلمنامه سینمایی وی بوده و پیش از آن چند تله فیلم در کارنامه خود داشته است. تله فیلم «کان‌های یامبری» را کارگردانی کرده و نیز فیلم تلویزیونی «وزنه‌های بی‌وزن» که در ایام نوروز سال گذشته از تلویزیون و شبکه چهار پخش شد را ساخته است و آخرین فیلمنامه‌اش که به فیلم تبدیل شد «کاتوتوشا» بوده است این فیلمساز تحصیل کرده برای رسیدن به ایده‌آلش که همان ساختن فیلم سینمایی بوده ترجیح داده برای فراهم شدن پیش‌زمینه ورود به این عرصه و تا زمان مهیا شدن شرایط ساخت فیلم بر فیلمنامه‌نویسی برای دیگران تمرکز کند.

علی میرزایی در مورد ورودش به سینما چنین گفته است «پالتو شتری نخستین فیلم من، واقعا همان فیلمی نیست که سال‌ها به دنبال ساختنش بوم واقعا چرا که در ایران فیلمسازی یک انتخاب نیست و بیشتر یک

«پالتو شتری» درامی جدی در قالبی از کمدی نخستین گام محکم یک فیلمساز خوش‌فکر

سعید بناکار

سعید بناکار

فلسفه‌ست است و دومی دانشجوی مشروطی رشته فلسفه که مطالعه فراوانی دارد و در کلاس‌های مستمع آزاد دانشگاه هم شرکت می‌کند. کوهیار نویسنده هم است و به تازگی یک جایزه ادبی و فلسفی را برای اولین کتابش برده است و بابت این موفقیت و موقعیت درسی و اجتماعی خود بسیار مغرور است و این موضوع را مدام به رخ فرید و دیگر دوستانش می‌کشد او رفتار و منش بسیار عجیب و غریب دارد و ژست‌های کاذب روشنفکرانه‌ای در قبال دیگر آدم‌های دور و برش می‌گیرد و از همه عجیباتر منشی ضد زن دارد و به لحاظ جهان‌بینی و نگاه فلسفی‌اش پیرو سرسخت «نیچه» است و به طور افراطی باورهای شخصی نیچه در مورد زنان بر روی شخصیتش اثر گذاشته است و زنان را همچون برده به حساب می‌آورد و این افراطی‌گری در روابط اجتماعی و دوستی و رفاقت باعث گردیده که بسیاری از دوستان و اطرافیان‌ش از او و شخصیت و رفتارش که بسیار متکبرانه و چندش‌آور است دل زرده شوند و .. و در مقابل فرید که شخصیتی مؤدب دارد و آدم با مطالعه‌ای است که اوقاتش را با کتاب خواندن و بالا بردن سطح آگاهی عمومی و تخصصی‌اش می‌گذراند و با جمع شدن دیگر دوستان هم‌دانشگاهی و هم‌فکرش در کافی‌شاپ به بحث و تبادل افکار فلسفی و اجتماعی و سیاسی می‌پردازد تصمیم می‌گیرد از دوست مغرور خودستا و عوس فرصت‌طلب و بی‌رحم که در روابط عاشقانه با خانم‌ها همواره با هم اختلاف دارند به نوعی انتقام بگیرد…

دو شخصیت اصلی قصه فرید و کوهیار بسیار ظریف، دقیق و با مختصات درست طرح و ساخته و پرداخته شده‌اند. میرزایی به عنوان



فیلمنامه‌نویس و کارگردان «پالتو شتری» موضوع‌ها و مضامین فلسفی و منطقی اجتماعی جالب و حساسی را در روابط و حیطه برخورد‌های فردی و اجتماعی در متن قصه مطرح کرده است و از این طریق رویکردی هم به موضوعات روانشناسانه داشته است.

اما با توجه به گستردگی موضوعات فلسفی و دیالوگ‌های بسیار در این مورد که به مسایلی فلسفی اشاره کرده‌اند و اغلب هم نقطه نظرات علمی و بازخورد تکرات صاحب‌نظران از زاویه دید نویسند و کارگردان هستند مطرح شده در فیلم منطقی و درست و بجا هست. همین نگاه کارگردان در مورد مضامین روانشناسی در فیلم در سطح مانده و به عمق نرسیده‌اند که این ضعف به لحاظ علمی با توجه به اینکه فیلم و ساختار کلی آن دچار مباحث افراطی علمی و جامعه‌شناختی از دیدگاه فلسفه و روانشناسی می‌شده ضعف نسبتا جزیی برای کلیت فیلم به حساب می‌آید چرا که افراط در گسترش و طرح مسایل علمی صرف آن هم در فیلمی که از نگاهی و زاویه دیدی طنز و کمدی به این مسایل نگریسته است مخاطب را به ویژه مخاطب عام را از دیدن فیلم دلزده خواهد کرد. زیرا که مخاطب به سالان سینما آمده است فیلم مفرح ببیند و اگر فیلم هم نکاتی فرهنگی و علمی داشت از آن بهره‌ای ببرد نه اینکه فکر کند به سر کلاس درس و دانشگاه رفته است و به جای دیدن فیلم قابل درک و فهم یک سری مباحث علمی ثقیل و غیرقابل هضم به او تحویل داده‌اند.

فیلم «پالتو شتری» به لحاظ کارگردانی و اجرا و ترکیب مسایل فنی کیفیت نسبی بالایی دارد و میرزایی توانسته است که یک فیلم مدرسه‌ای کلاسیک بسازد و نشان داد که تجربه و توان کار کردن با عوامل فنی با تجربه و کارکرده سینما را دارد گرچه تا حدودی می‌شد فیلمبرداری و تصویرسازی بهتری را به اجرا در آورد و با انتخاب زاویه‌های دوربین

متنوع‌تری و به کارگیری قباب تصویرهای جذاب‌تری سطح کیفی بالاتری به لحاظ فیلمبرداری که بیشتر در خدمت تعریف خصوصیات و حال و هوای شخصیت‌ها باشد تصویرهای بهتری داشته باشد اما چون

تصویرسازی و فیلمبردازی هماهنگی بسیار بالایی نسبت به فضای کلی فیلم میان کارگردان و فیلمبردار را می‌طلبد و معمولا در سینمای ایران این هماهنگی در حد بالایی نیست و نمی‌توان ایرادهای زیادی به فیلمبرداری فیلم گرفت چرا که فیلمبرداری یک اثر سینمایی نخست درک و فهم فنی و هماهنگی‌ی از طرفین را می‌طلبد و این بخش هم از اجرای یک فیلمنامه در سینمای ایران بیشتر به طور سلیقه‌ای انجام می‌گیرد تا تصویرسازی مناسب و درخور حال و هوای فیلمنامه اثر.

سکانس‌های آغازین فیلم مانند اغلب کمدی‌های رمانتیک رایج سینما به ویژه سینمای هالیوود شکل گرفته و در ادامه قوانین این ژانر مفرح و باب میل همه مخاطبان آرام آرام تبدیل به اثری می‌شود که در زیر ظاهر طنز خود به شرایط جوانان جامعه امروزی ایران و نقد روشنفکران‌بابان و فرصت‌طلبی را از این طریق می‌پردازد و البته به شکلی غیر قابل پیش‌بینی به پایان می‌رسد کمدی رمانتیک‌هایی از این نوع همواره و معمولا از قواعدی ثابت و در نتیجه قابل حدس و گمان استفاده می‌کنند اما با این حال ما مخاطبان همواره با لذت به تماشای آنها می‌نشینیم و قصه همواره آشنا و بعضاً تکراری‌شان را تا آخر دنیال می‌کنیم به همین دلیل این ژانر از فیلم ژانری جادویی لقب گرفته است و تماشاگران همواره با علم اینکه قصه فیلم را قادر است حدس بزند و بداند چه چیزی در فیلم در انتظارش است باز هم اینگونه فیلم‌ها را می‌بیند و لذت می‌برد.

به همین لحاظ «پالتو شتری» در همان سکانس‌های آغازینش به راحتی توانسته با مخاطبان عام و خاص ارتباط برقرار کند و بر این اساس و در ادامه فیلم از نیمه دوم به بعد قصه‌اش جان بیشتری می‌گیرد و مخاطب بدون آنکه حوصله‌شان سر برود به ادامه فیلم دل می‌بندد. «پالتو شتری» در کلیتش فیلمی است که با توجه به ساختار و محتویات عمیق فلسفی و روانشناسانه‌اش که بر بستری ترکیب از کمدی طنز و جدی شکل گرفته دیدنش صبر و تحمل مضاعفی را می‌طلبد. البته شاید این موضوع به نظر برخی از منتقدان سخت‌گیر سطحی‌نگر یک ضعف به حساب آید که فیلم به لحاظ زمانی وقت زیادی برای معرفی کردن فضا و حال و هوای فیلم و شخصیت‌های قصه صرف کرده است اما بدون تردید در وقت مناسب و سکانس‌های مورد نیاز موفق شده است به معرفی نوع کمدی خود و دیگر مضامین و محتویاتش بپردازد.

این فیلم کمدی است از نوع روشنفکرانه که برای معرفی خود و حال و هوایش نیاز داشته بیشتر روی مسایل و مضامین مختص یک اثر روشنفکرانه و پر مغزتر تأکید داشته باشد بنابراین کارگردان و فیلمنامه‌نویسش با رویکردی مناسب و با بکارگیری نحوه ادای کتابی گفتگو‌ها توسط بازیگران برای القا محتویات و پیام‌هایش موفق به انتقال این موارد موردنظر فیلمساز به مخاطبان شده است.

از دیگر نکات مثبت فیلم بازی بازیگران و بازیگری درست مناسب با حال و هوای فیلم است به طوری که حتی بازیگران فرعی هم حتی نقش کوچکی در شکل‌گیری کلیت فیلم دارند در مدت کوتاه حضورشان در قصه بازی خوبی از خود نشان داده‌اند و به نوعی کلیت فیلم گذشته از فیلمنامه قوی و حساب شده و شخصیت‌پردازی‌های دقیق مدیون بازیگران است که توانسته‌اند این شخصیت‌های فرعی و اصلی را به درستی به اجرا گذارند.

سام درخشانی انتخاب خوبی بوده است برای نقش آفرینی فرید که یکی از نقش‌های اصلی است و بازی او یک سر و گردن بالاتر و قوی‌تر از فیلم‌های کمدی و طنزی است که وی در این سال‌ها بازی کرده است و این هم به دلیل پرداخت قوی‌تر و متفاوت‌تر شخصیتی است که او نقش‌آفرینی آن را به عهده داشته است سام درخشانی چند سالی است گذشته از نقش‌های جدی‌اش در آثار سینمایی و مجموعه‌های تلویزیونی به یک گزینه مطمئن برای موفقیت در گیشه تبدیل شده است.

بنابیان شسوهمن ایفاگر نقش اصلی کمدی که بازی شایسته‌ای از خود نشان داده است و بازی او یکی از بازی‌های خوب و مناسب با شخصیت تعریف شده در قصه است فارغ‌التحصیل رشته مهندسی عمران و فارغ‌التحصیل ممتاز دوره بازیگری از مدرسه سینما و تئاتر است و در دهه هشتاد دوره‌های بازیگری خود را با کلاس‌های تجربی بازیگری زیر نظر اصغر فرهادی را تکمیل کرده است و در سال‌های اخیر حضور مستمری در تئاتر و سینما داشته است سال گذشته با دو فیلم «جاده قدیم» و «خجالت نکش» در جشنواره فیلم فجر حاضر بوده است.

و همچنین بهره کیان افشار که بازی کاملاً متفاوتی در فیلم ارابه داده

و حتی می‌توان ادعا کرد بهترین نقش‌آفرینی او تاکنون است. این فیلم

یک بازی متفاوت و معرکه هم از شاه‌رح فروتینان دارد و در مجموع باید

اشاره کرد یکناکب بازیگران فیلم در جمله ابتدا کیانی و پرروش نظریه خیلی

خوب در نقش‌هایشان گرچه همه کوچک ولی خوش درخشیده‌اند.

از دیگر نکات مثبت فیلم کیفیت گروه تولیدکننده موسیقی فیلم است و

مسعود سخاوتمند که سابقه خلق موسیقی‌های خوبی برای دیگر فیلم‌های

سینمایی ایران داشته را باید مدنظر داشت چرا که توانسته حال و هوای

این فیلم کمدی طنز عجیب و غریب را با موسیقی مناسیش قابل هضم‌تر

و مفرح‌تر نماید.

و‌جود فیلمسازانی چون میرزایی که حاضرند در سینما دست به

تجربه‌اندوزی و خلق آثاری بزنند که همچون دیگر آثار و مسیره‌های

امتحان پس داده نباشد غنیمت است و این فیلمساز در نخستین فیلم

سینمایی‌اش موفق شده است آنچه را که با تجربه و دانش و تجربه‌اش

نسبت به افکار و خصوصیات و ضعف وقوت‌های آدم‌های روشنفکر به

ویژه در جامعه ما داشته است، توانسته به خوبی این افکار را به تصویر

تبدیل کند و «پالتو شتری» قطعاً یکی از متفاوت‌ترین و شایسته‌ترین فیلم

در آثار سینمایی در حوزه کمدی و طنز سینمای ایران در سال‌های اخیر

به حساب خواهد آمد.

آگهی

آگهی حصر وراثت
قمر شادمانی فرزند خدابخش دارای شناسنامه شماره ۲۵۷۰۳۹۹۰۹۴ متولد ۱۳۳۲/۳/۱۰ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۸/۱۴۶ ح ش رونیز از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان احمدقلی شادمانی فرزند زیاد به شماره شناسنامه ۲۴۴ از تاریخ ۹۸/۱/۱۹ در اقامتگاه دائمی خود ببردور زندگی گفته و وراثت حین‌الفوت آن مرحوم عبارت‌اند از: <p>۱- متقاضیه با مشخصات فوق‌الذکر قمر شادمانی همسر متوفی</p> <p>۲- ایوب شادمانی به شماره شناسنامه ۷۱۶ صادره از حوزه استهبان فرزند متوفی</p> <p>۳- مسعود شادمانی به شماره شناسنامه ۴۹ صادره از حوزه استهبان فرزند متوفی</p> <p>۴- رسول شادمانی به شماره شناسنامه ۹۴ صادره از حوزه استهبان فرزند متوفی</p> <p>۵- فاطمه شادمانی به شماره شناسنامه ۸۵۱ صادره از حوزه استهبان فرزند متوفی</p> <p>۶- صدیقه شادمانی به شماره شناسنامه ۱ صادره از حوزه استهبان فرزند متوفی</p> <p>۷- طاهره شادمانی به شماره شناسنامه ۲۲۴ صادره از حوزه استهبان فرزند متوفی</p> <p>۸- مریم شادمانی به شماره شناسنامه ۲۵۲۰۱۰۷-۴۹ صادره از حوزه استهبان فرزند متوفی</p>
اینگ با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در روزنامه عصر مردم یک مرتبه آگهی می‌نماید تا هر شخص با اشخاصی اعتراضی دارند و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به داد‌گاه تقدیم و الا گواهی صادر خواهد شد.
۷/۴/۸۸ /ع الف
رئیس شعبه شهر رونیز شورای حل اختلاف حوزه قضایی استهبان
محمدصادق صادقی

آگهی اجزاء مهم
درباره پرونده کلاسه ۹۸-۹۹۸-۷۲۹۲۰-۹۰۳ شعبه ۳۲ دادایاری دادسرای ناحیه یک شهرستان شیراز متهم ناصر رضائی فرزند حسین با شماره ملی ۶۱۰۹۶۵۰۰۵۶ متولد ۱۳۴۹/۳/۲۰ به اتهام خیانت در امانت در خصوص یک دستگاه خودرو پژو ۲۰۶ به موجب شکایت علی رحمان‌ستایش فرزند محمدقاظم تحت تعقیب است؛ حسب گزارش‌های ارایبه شده، متهم مجهول‌المکان و متواری است و با توجه به معلوم نبودن محل اقامت وی امکان ابلاغ احضاریه به طریق دیگر میسر نیست، به متهم ابلاغ می‌گردد که برای انجام تحقیقات اولیه و دفاع از اتهام منتسب طرف یک ماه از تاریخ نشر آگهی رأس ساعت ۵ صبح در روزهای اداری در شعبه حاضر گردد و در صورت عدم حضور در وقت مقرر یا عدم ارسال لایحه دفاعی و یا عدم معرفی کیل، این شعبه به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می‌کند. این آگهی در اجرای ماده ۱۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» در یک روز نوبت و در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار یا محلی نشر می‌شود.
۱۱/۴/۲۷ /م الف
دادیار شعبه ۳۲ دادایاری دادسرای ناحیه یک شهرستان شیراز
زینب‌السادات ساداتی

آگهی مناقصه
نوبت دوم: ۹۸/۱۰/۱ نوبت دوم: ۹۸/۱۰/۱ <p>شهرداری قره بلاغ در نظر دارد به استناد مصوبه شماره ۹۸/ق/۱۵ مورخ ۹۸/۸/۱۷ شورای محترم نگهداری فضای سبز، جمع‌آوری و حمل زباله شهر قره بلاغ به صورت حجمی را از طریق مناقصه به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید. لذا متقاضیان می‌توانند به آدرس استان فارس، شهرستان فسا، شهر قره بلاغ خیابان اصلی، امور مالی شهرداری مراجعه نمایند و جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۰۷۱۵۳۵۳۷۲۷ تماس حاصل فرمایند.</p> <p>شرایط:</p> <p>۱- محل اجرا: محدوده خدمات شهری شهر قره بلاغ</p> <p>۲- مدت اجرا: ۱۴ ماه از تاریخ ۹۸/۱۱/۱</p> <p>۳- محل اخذ اسناد مناقصه و تسلیم پیشنهادهات: شهر قره بلاغ- امور مالی شهرداری- تلفن ۰۷۱۵۳۵۳۷۲۷</p> <p>۴- تاریخ شروع و قیمت فروش اسناد: از تاریخ شروع آگهی نوبت اول مبلغ ۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال واریز به حساب درآمد شهرداری به شماره حساب ۱۰۰۰۱۳۳۵۳۸۷۶۸ نزد پست بانک</p> <p>۵- آخرین مهلت تحویل: ۱۰ روز پس از آگهی نوبت دوم</p> <p>۶- تاریخ باز گشایی پاکت‌ها: ۹۸/۱۰/۱۱</p> <p>۷- به مدارکی که فاقد امضاء، مخدوش و مدارکی که بعد از انقضاء مدت مقرر در این آگهی واصل شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.</p> <p>۸- نوع تضمین شرکت در مناقصه: ۵ درصد قیمت برآوردی به مبلغ ۳۲۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال</p> <p>۹- نوع تضمین شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی در وجه شهرداری قره بلاغ با واریز به حساب جاری حسن انجام کار ۱۰۰۰۱۳۵۵۱۶۱۸۴ شهرداری نزد پست بانک</p> <p>۱۰- اعتبار طرح از محل بودجه جاری شهرداری می‌باشد.</p> <p>۱۱- سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه درج شده است.</p> <p>۱۲- حق‌الدرج دو نوبت آگهی در روزنامه به عهده برنده مناقصه می‌باشد.</p> <p>شناسه آگهی: ۶۹۶۷۴۰ / م الف</p>